



سونیک

جوجه تیغی

مقال لژیون



فاین
توماس
هرمز
BIST
م. قلی زاده

از پنج
۱۳+

نوجوان

SEGA®

دنیا‌های لیگ عدالت و سونیک جوجه‌تیغی به هم
وصل شدند! دروازه‌های بزرگی به وجود اومدند
که سفر بین این دو دنیا رو راحت کرده،
و این منجر به چیزهای...



...شگفت‌انگیز...



...نگران‌کننده...



...و عجیب شده!



امپایر سیتی،
دنیای سونیک.

ووو-هووا!
چقدر دلم
برای اینجا تنگ
شده بود!

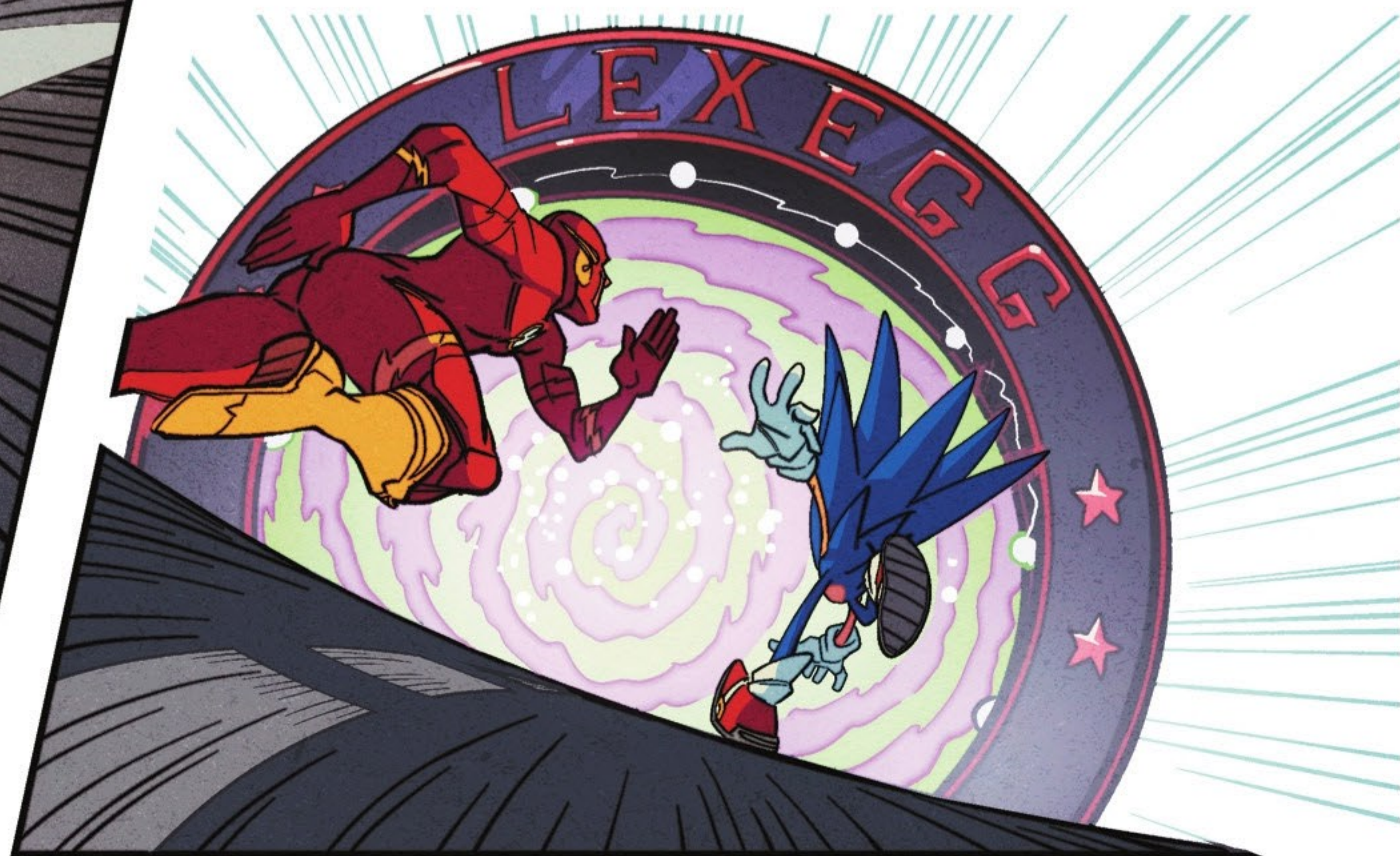
Now Leaving
Empire City

این
یه لاین سبقته،
فلش!

ترافیک گندتر
باید برن کنار!

سونیک! داشتم
فکر می‌کردم که تو رو
این اطراف می‌بینم...

یا اینکه
به خاطر سرعت
زیادم، دیدنت رو
از دست میدم!



سنترال سیتی،
زمین لیگ عدالت.



خوشحالم که دوباره تو و دنیات رو می بینم، ولی لطفاً بگو که اون دروازه های گول پیکر خطرناک نیستن؟

هیچ ایده ای ندارم! یه شب تا صبح همه شون ظاهر شدن.

منم همینطور!



لیگ عدالت یه نگاهی بهشون انداخت و ظاهراً خطری ندارن.

نمی دونم، پسر. یه حس عجیبی ازشون می گیرم. ولی از اونجایی که فعلاً همه چیز خوبه--



چطوره با هم تا بیگ بلی برگر مسابقه بدیم؟



خوبه که دوهزاریت زود میفته!

در همین حین.
تمیسگرا.

پیش به جلو،
خواهران!

حتی نذارید یه
وجب وارد این
ساحل بشن!

قشنگ‌ترین
چیز جنگ اینه
که جنگ، جنگ
میاره.

هر جنگجویی
که شکست
خورده، همچنان
تشنه پیروزی به
ارتش من اضافه
می‌کنه.

شما آمازونی‌ها
هم فرقی با اونها
نخواهید داشت.





این جسارت بدون
مجازات نمی‌مونه،
هادس!

این
پیروزها هستن
که هم سیاست رو
تعیین می‌کنن، هم
تاریخ رو می‌نویسن،
واندروومن.

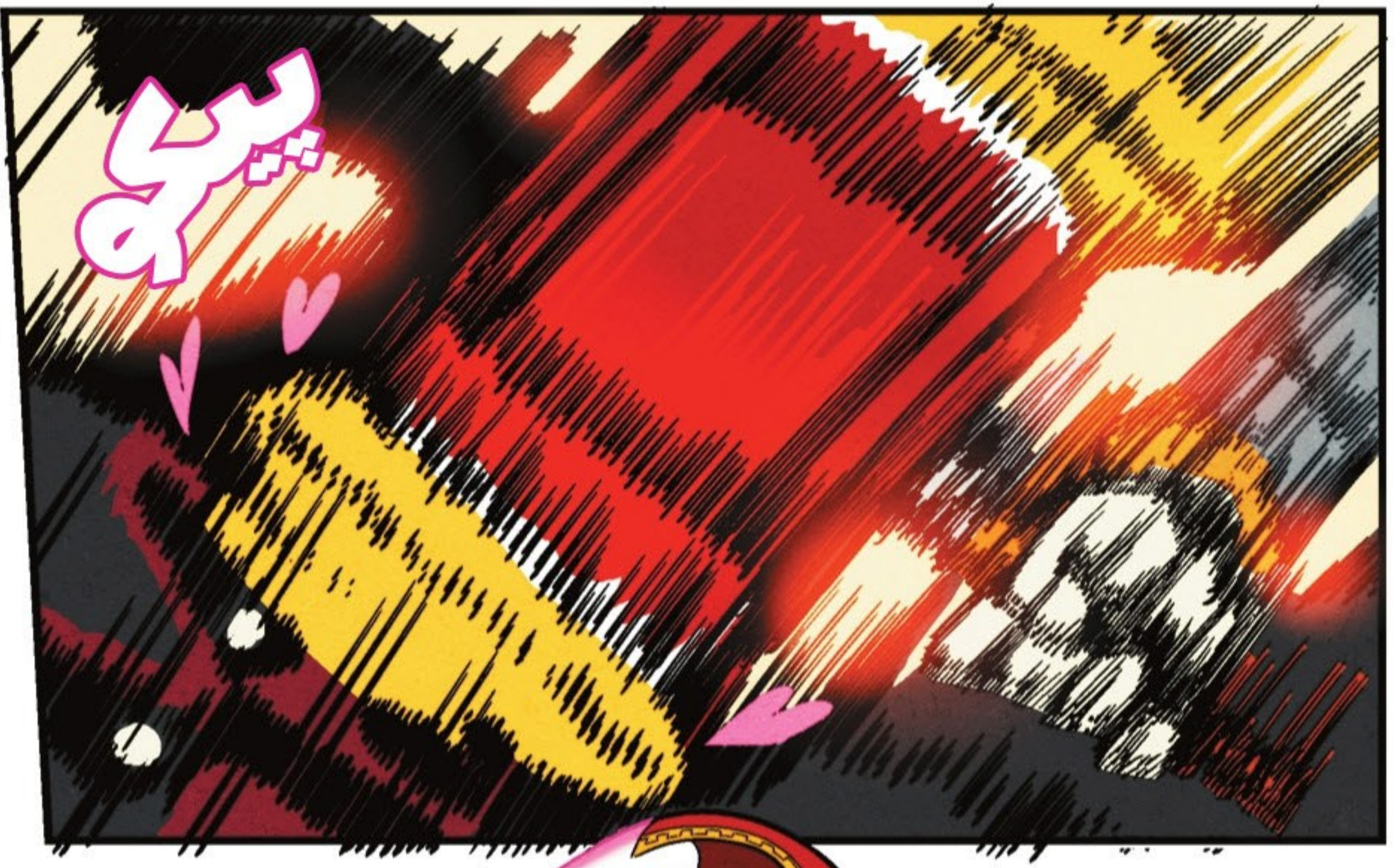
اون المپیایی‌های
بی‌عرضه تا صد سال
دیگه این ماجرا رو
کاملاً فراموش
می‌کنن.

اونها
چکش عدالت
رو می‌کوبن روی
سرتون!

و اینجاست که
اون می‌ادا!



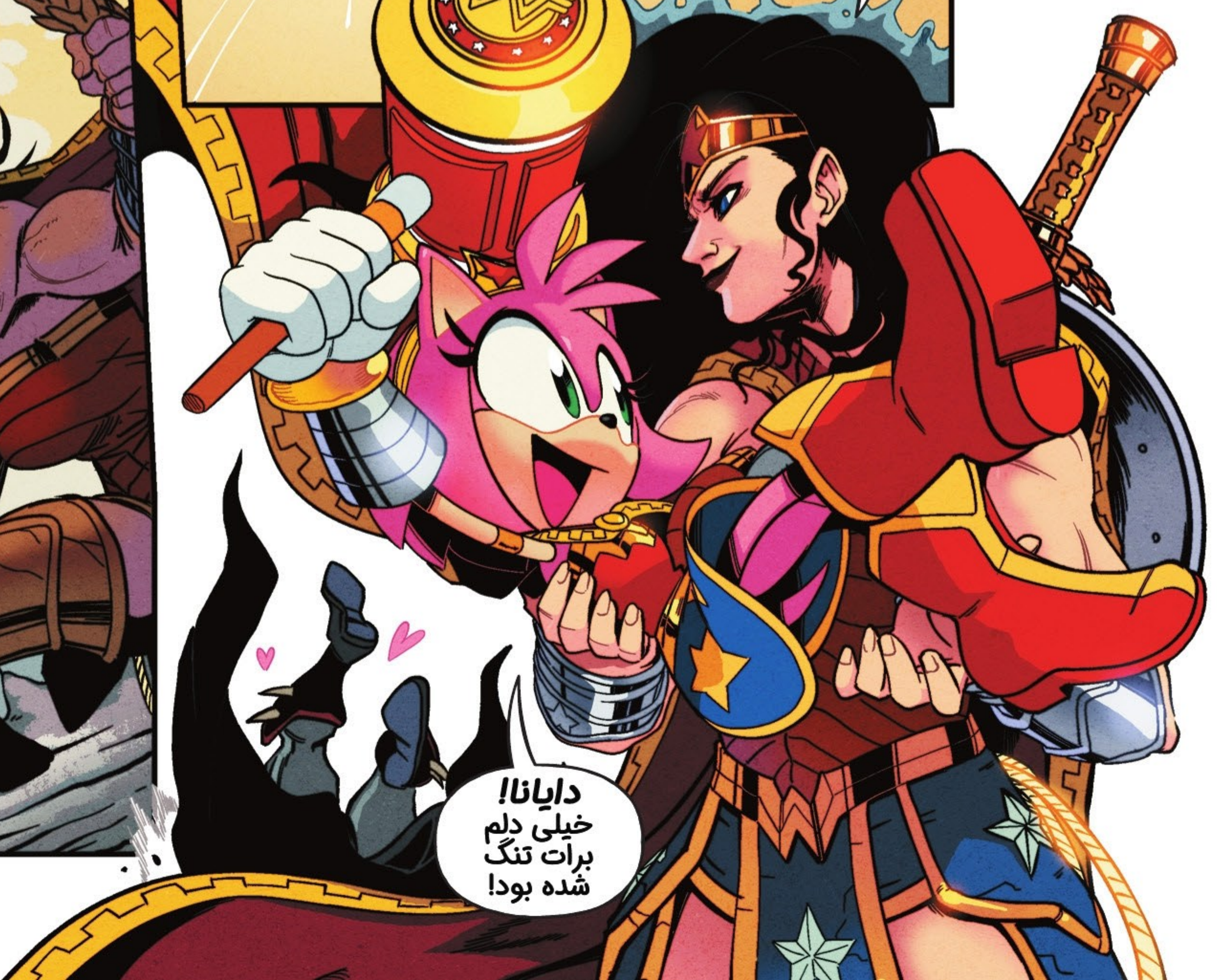
چه...؟



پیکا



ایمی!



دایانا!
خیلی دلم
برات تنگ
شده بود!



می بینم
لباسی که
خواهرامون برات
دوختن رو هنوز
نگه داشتی.

البته! حالا که
دوباره دنیاها مون به هم
وصل شدن، فکر کردم
موقع اومدن به اینجا،
بهتره همون لباس رو
بپوشم.

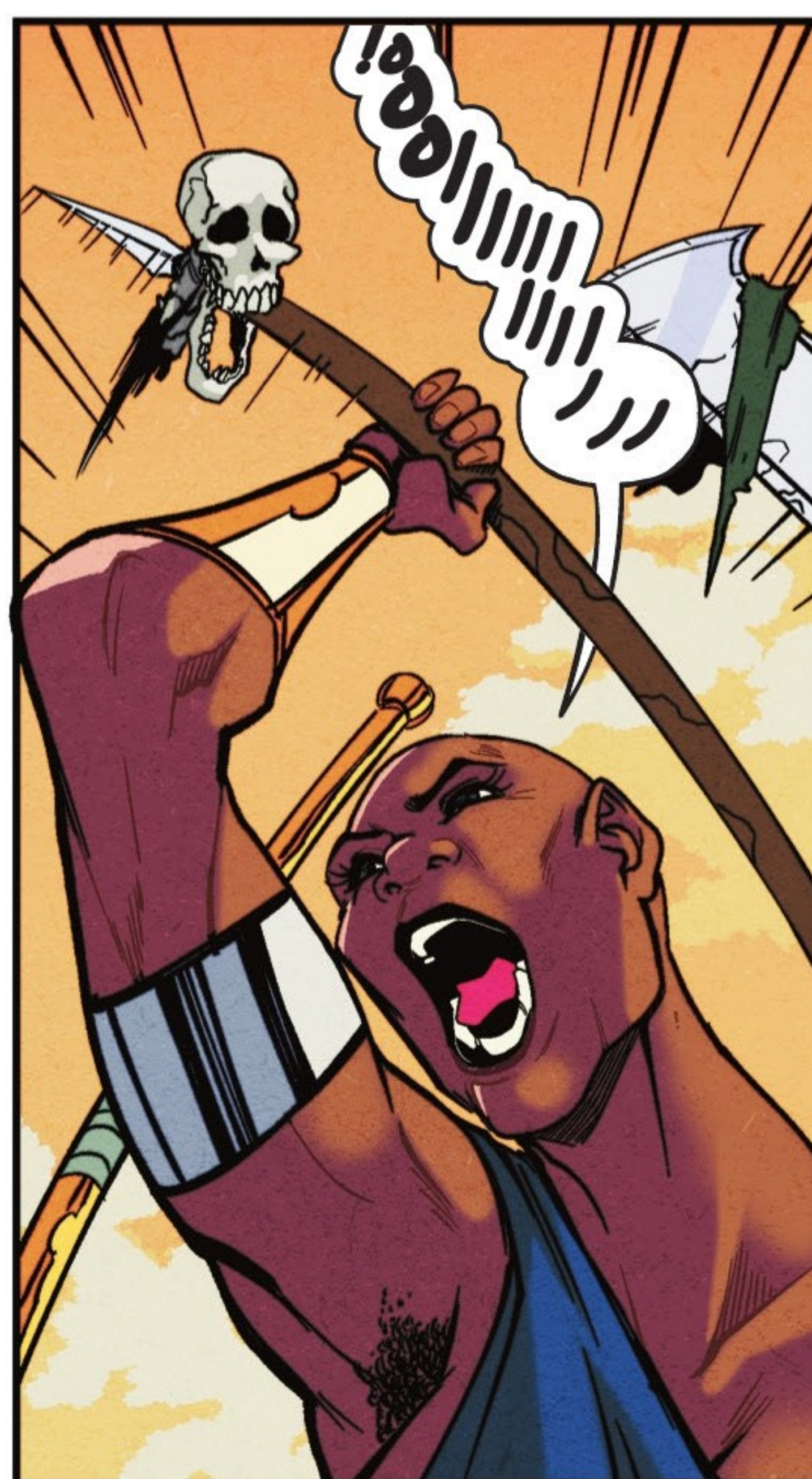
هرچند فکرش
رو نمی کردم هادس
اینجوری دیدارمون
رو به هم بزنه.

اون توی این دنیا همیشه
یه نیروی مزاحم و
ناخواسته ست.



خواهر ما
برگشته!

حالا صد برابر
قوی تر شدیم!



با تمام توان اونا
رو برگردونید به
دنایای زیرین!



"خیلی خب، حالا اجازه بده
سوپرگرل و کریپتو رو معرفی کنم!"

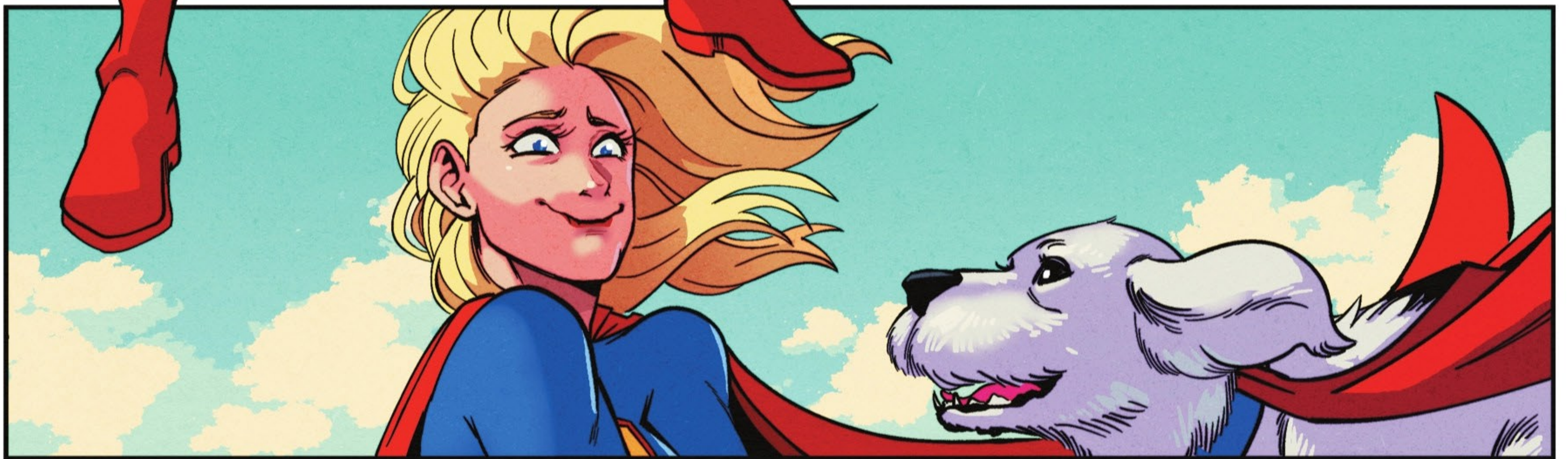
سلام،
بچه جون. سوپرمن
درباره دنیای تو
خیلی بهم گفته.

از آشنایی باهاتون
خوشبختم، خانم
سوپرگرل.

اسم من
کریم هست و
این هم بهترین
دوستمه، چیز.

به سیاره ما
خوش اومدید!

چاؤ-
چاؤ!



تو نازترین
دختر کوچولویی
هستی که تا
حالا دیدم!

اییی-
هییی-
هییی!



کال؟ من دیگه
با زمین کاری
ندارم. حالا دیگه
اینجا میمونم.

فکرش رو بکن،
کیک مادرش رو
نخورده داری این رو
میگی!

بهره
بخوریم، چون
تو من رو
تا اینجا
کشوندی...

در همین حین... برج نظارت، زمین لیگ عدالت

خوشحالم که
هنوز توی این
دوره زمانی هستی،
سیلور.

منم همینطور،
سایبورگ. دنیای تو
خوبه، ولی فناوری
برج نظارت بیشتر شبیه
خونه ست.

اوه،
واقعاً؟ اطلاعاتی
از فناوری آینده
داری که با من به
اشتراک بذاری؟

خیلی اهل
فناوری و اینا
نیستم، شرمنده.

ممنون.
هیچ وقت
نباید با قدرت
بیشتر اشتباه
کرد!

طوری حرف می‌زنی انگار کارهای
سپاه فانوس سبز قدیمی شده.

بچه،
می‌تونم من
رو جان صدا
بزنم.

ولی
وقتی سر کار
هستیم،
باید بهم بگی
"فانوس سبز".

الان که
حرفش شد...

...اگه تو اینجایی، پس حتماً
به یکی از این‌ها نیاز داری.

پس دیگه داریم
حلقه‌ها رو کیلویی
پخش می‌کنیم، ها؟
آه، خیلی خب،
خوش برگشتی،
درخت نخل نما.

سلام،
گای.

بلیپ







اوه!
وایسا-وایسا-
وایسا!
هیچ وقت
نتونستم این رو
وقتی اینجا بودی
امتحان کنم!

الان؟
وسط یه حمله؟

عالی میشه!
بهم اعتماد کن!



هنننن!

انجامش دادم!
حتی دمه‌ها رو هم
درست درآوردم!

ها-ها!
ایول، ولی می‌تونی
باهاشون پرواز
کنی؟



هوفوف
هوفوف
هوفوف
هوفوف

بعداً بهت
فوت و فن
هاش رو
میگم!

هوفوف
اوه، پسرا!
این داره کمرم
رو می‌شکونه!

و تو همزمان
حینش مردم
رو هم بلند
می‌کنی؟!!

باید هرکی
که این سلول
ک.ن.د.و. رو
رهبری می‌کنه
پیدا کنیم!



اون منم،
برادر بلاد.

تو نمی‌تونی
دوباره من
رو متوقف کنی،
تایتان تیلز.

نه
وقتی که
یکی از
قدرتمندترین
جنگجویانتون
رو گول زدم!

سلام، تیلز!
سلام، بلیز!



آره،
استار فایر.
اون جوون ترین عضو
سازمان کار آگاهی
کیاتیکس هست.

چارمی؟!

بلیز،
این کوچولو رو
می شناسی؟

آه! همون ها
بودن که به ما
آدرس این پایگاه
رو دادن.

شاید چارمی
جاسوس شونه؟

نمی دونم. میرم
بررسی کنم و تا اون
موقع پوششم بده.

حتی یه
انگشت هم بهت
نمی خوره.



صدام رو
می شنوی؟ واقعاً
برادر بلاد ذهنت رو
جادو کرده؟

چی؟ نه! اون
رئیس باشگاه!



رئیس...
باشگاه؟

آره! ک.ن.د.و. یه باشگاه
باحال با تم حشراتی هست!
می خواستم
ازشون بخوام
که تو هم عضو
کنن، ولی تو
یه گربه ای.
پس...
ببخشید!



فقط می خواستم
بدونن کجا هستم
که نگران نشن.

چرا؟ دلشون
برام تنگ
شده؟

پس یادداشتی که به
کیاتیکس فرستادی
اطلاعات نبود...



چارمی! ک.ن.د.و.
یه سازمان تروریستی!

برادر بلاد
یه جادوگر تاریکه
که باهاشون همکاری
می‌کنه!

صبر کن... پس
اون‌ها بدجنس
هستن؟

بدجنس
بدجنس‌ها
هستن!

تو منو
فریب دادی،
مرد بدا!

آاهه!
کیش کیش!
گمشو بینم!



پرئسس بلیز.
عالی بود،

تو هم همینطور،
پرئسس کوری.

وقتی
نبرد تموم شد،
می‌خوام دوباره
خیاطت بپرسم.

لباس‌ها
خیلی نازن!

ممنون.
من... گمون کنم
دوست دارم سبک
تو رو هم امتحان
کنم، اگه اشکالی
نداره.

حرفشم
نزن! باید
امتحان کنی!



میشه لطفاً
سعی کنیم این نبرد
رو جدی بگیریم؟

ها-ها!
داری کم کم
شبیه رابین
حرف می‌زنی!

راستی اون
کجاست؟

"ظاهراً به کارهایی
توی گاتهام داشت."

این خیلی احمقانه‌ست
و به نمادهای تو
لطمه می‌زنه.

این توجهش رو
جلب می‌کنه.

چطور می‌دونی
که این کار جواب
میده؟

اعتماد و احترام
متقابل.

درسته،
شدو؟

دوباره اومدی
یه بتموبیل دیگه
رو اوراق کنی؟

سکوت کن،
رابین. اگه بخوام
حمایت درست بگیرم،
به ردهود زنگ می‌زنم.

با
دوباره وصل شدن
دنیاها مون، فوراً
اینجا اومدم.

نمی‌خوام
دردسرسازهای
شهر شما دنیای
من رو تهدید کنه،
بتمن.

تیکه‌تیکه‌ات
می‌کنم!

تلاشت
رو بکن.





لوتر و اگمن
هر کدوم تهدیدهایی
با مقیاس جهانی
هستن.

شک دارم
لوتر متحدینش رو
فقط به دکتر محدود
کرده باشه.

این اطلاعات
ارزشمنده.

من از اینجا کارها
رو مدیریت می‌کنم.

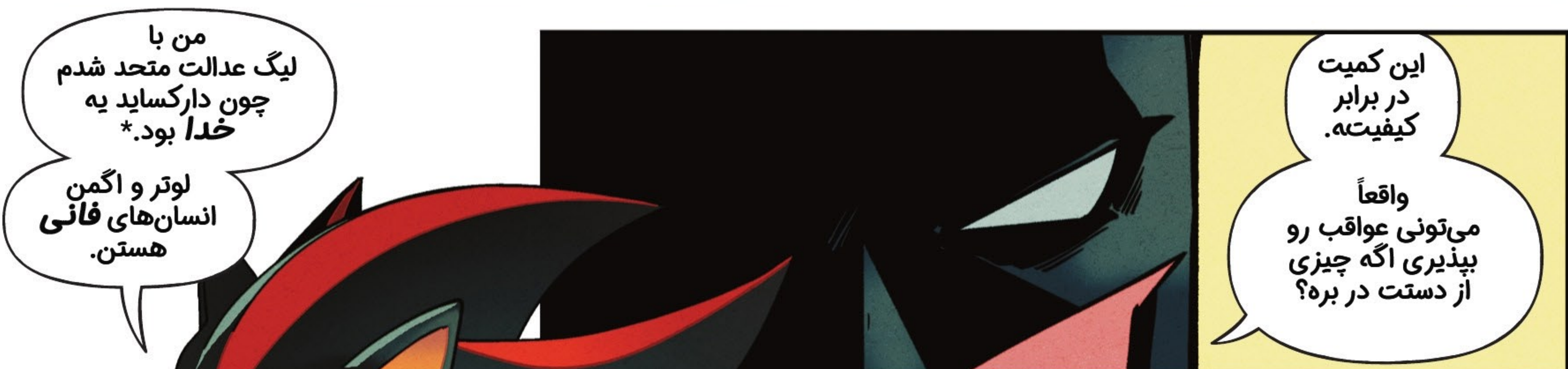


تو با یک جنگ
در جبهه‌های مختلف در
دو بُعد روبرو هستی.

نمی‌تونی
این همه درگیری رو
همزمان مدیریت
کنی.

به پشتیبانی
نیاز داری.

منظورت چیه؟

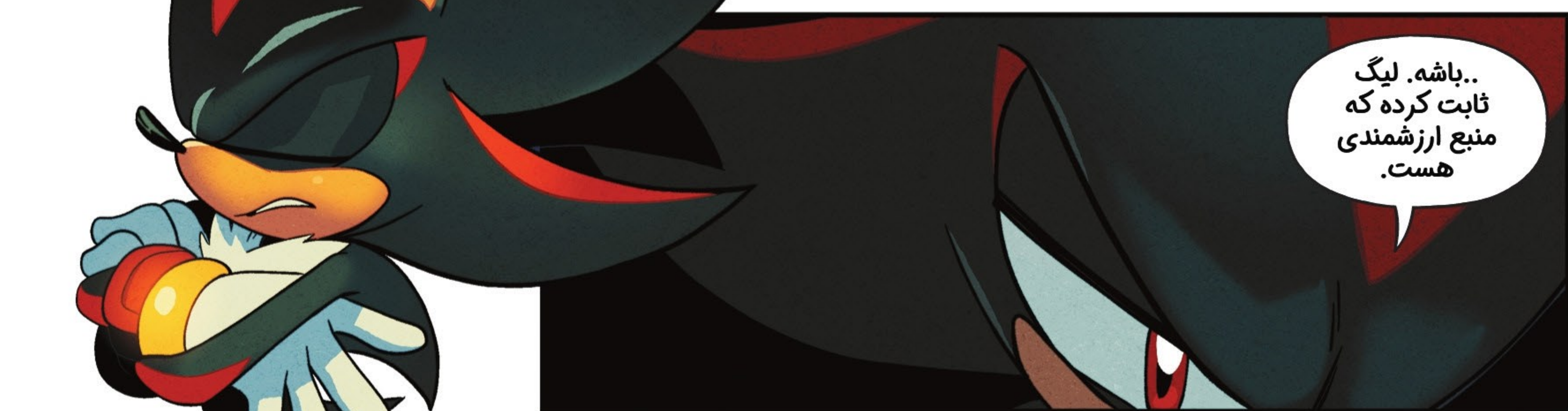


این کمیت
در برابر
کیفیت‌ه.

واقعاً
می‌تونی عواقب رو
پذیری اگه چیزی
از دستت در بره؟

من با
لیگ عدالت متحد شدم
چون دارکساید یه
خدا بود.*

لوتر و اگمن
انسان‌های فانی
هستن.



..باشه. لیگ
ثابت کرده که
منبع ارزشمندی
هست.



خوبه.

ولی اگه قراره توی
قلمرو ما کار کنی، باید به
روش ما انجامش بدی...

*مینی سری اول دیسی
ایکس سونیک--
بهتره بخونیدش! --مترجم.



...در همین حین»

بیا به افتخارش
بنوشیم، دکتر
اگمن عزیز!

به افتخار پیروزی،
لکس لوتر عزیز!



سیستم‌های
مولد دروازه‌های انرژی‌زای
چندبُعدی با حداکثر بازدهی
دارن کار می‌کنن!

دو دنیای ما
در چندین نقطه
از جهان یک ارتباط
پایدار دارن!



عوارضی و
تور گردشگری
هزینه‌های ساخت
رو جبران کرده.

فقط یک دور
دیگه بازاریابی دقیق
می‌خوایم و می‌تونیم
تعداد دروازه‌ها رو
دو برابر کنیم.

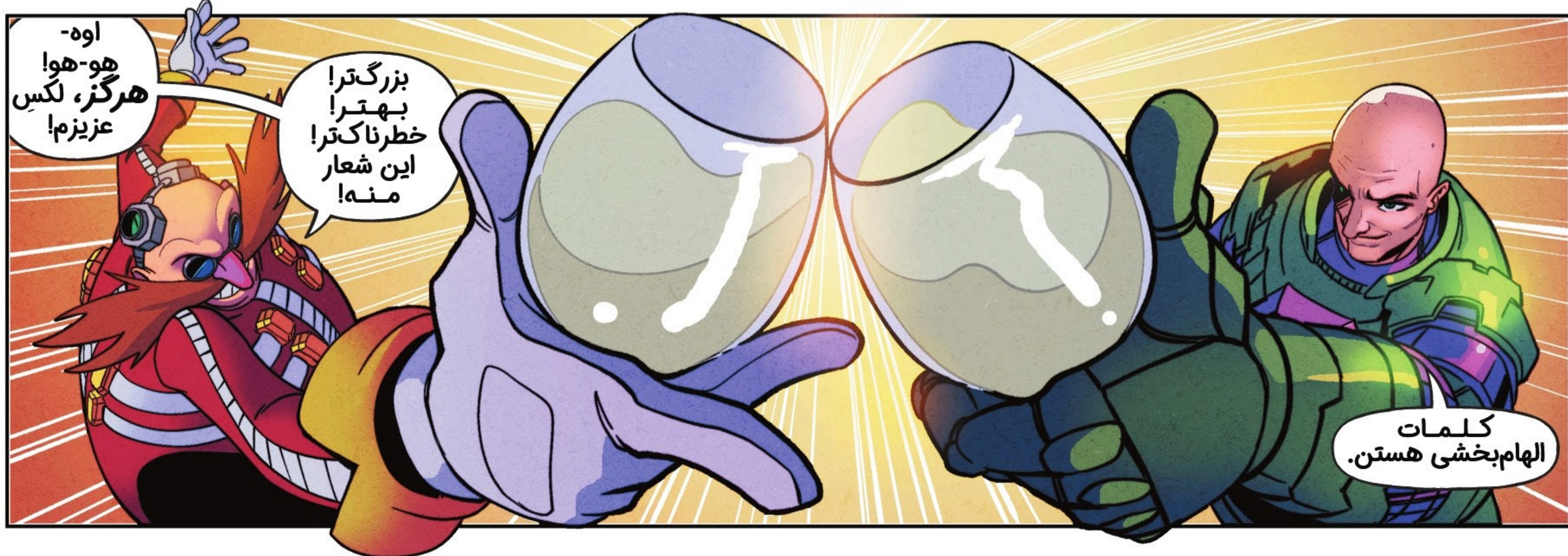


واسه چی
خب؟

ما که از قبل
انحصار این صنعت رو
در دست داریم.



هرگز فرصتی برای بیشتر
پول درآوردن رو از دست نمیدم.
راستش رو بگو، دکتر، خودت
به یه عملکرد کمتر از عالی
راضی میشی؟



اوه-
هو-هو!
هرگز، لکس
عزیزم!

بزرگ‌تر!
بهتر!
خطرناک‌تر!
این شعار
منه!

کلمات
الهام‌بخشی هستن.



با این حال--فکر نمی‌کنی
"ل.ک.س.ا.گ" به کم ضایع
و شک برانگیزه؟

کلی زحمت
کشیدم که این دروازه‌ها
رو بدون اینکه توجه کسی
رو جلب کنم بسازم قبل
از راه‌اندازیشون.



عقلانه بود،
اما حالا مستقر
هستیم!

فقط مسئله زمانه که
سونیک یا لیگ عدالت تبدیل
به مشکل بشن.

اینکه آیا باید
اونها رو تحت فشار
بذاریم؟ تحریکشون
کنیم؟

همه‌اش
بخشی از
نقشه‌ست!



به خوبی
آگاه هستم.

پس یکم
شل کن!

هدف چیه که از
رقبای خودت برتر باشی
اگه نتونی ازش
لذت ببری؟

یک بار دیگه،
کلمات الهام‌بخش.



و حتی اگه اون
دُز دوبرابری از ساده‌لوح‌ها
مشکل‌ساز بشن، تو قبلاً تدابیر
مقابله‌ای رو براشون
فراهم کردی.

البته که
کردم. فهرستی از
حرفه‌ای‌های باتجربه
دارم که می‌تونن هر
مشکلی که پیش بیاد
رو مدیریت کنن.

دکتر اگمن،
اجازه بده
معرفیت کنم
به...



**خیانت!
ترس! و دو
تیم در تله؟!**